

راهبردهای سیاست کفیری تقنینی در حمایت از خصوصی سازی و توسعه اقتصادی

حسین جلالی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۰

امیرحسین رهگشا^۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۳

امیر پاک نهاد^۳

چکیده

در کشور ما سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون اجرای این اصل توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی جهت اجرای برنامه خصوصی سازی مورد تصویب مراجع قانونگذاری قرار گرفته و در حال اجراست ولی چون بستر سازی حقوقی کافی برای انجام فعالیتهای بخش خصوصی و نیل به اهداف خصوصی سازی، در این قوانین پیش بینی نشده و در فرایند خصوصی سازی، مفاسد اقتصادی، و بعضاً شاهدحیف و میل اموال دولتی در جریان واگذاری ها هستیم این مضلات عمدتاً ناشی از خلاهای قانونی در فرایند خصوصی سازی و حوزه کسب و کار و تجارت دیده می شود به نظر می رسد رفع برخی از این مضلات اقتصادی اتخاذ راهبردهای تقنینی، قضایی و اجرایی در حمایت از نظام اقتصادی می باشد

کلمات کلیدی: راهبرد، سیاست کفیری، خصوصس سازی.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه جزا و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۲ استادیار، گروه جزا و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار، گروه جزا و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

دخالت بیش از حد دولت در اقتصاد و تعدد قوانین و مقررات، بالا بودن حجم اقتصاد غیررسمی در کشور، نبود زیرساخت‌های آماری دقیق جهت شناسایی نقاط آسیب پذیر، عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نهادهای مردم نهاد در فرآیند شناسایی و مبارزه با فساد، غیرتخصصی بودن فرآیند رسیدگی به جرایم اقتصادی و کمبود قضات متخصص در این حوزه‌ها، بالا بودن تعداد پرونده‌ها در محاکم قضایی و طولانی بودن فرآیند رسیدگی، عدم تعریف مشخص از جرایم اقتصادی، تعدد نهادهای نظارتی و عدم تناسب بین جرایم و مجازات‌ها، سبب شده است که تلاش‌های دولت‌ها برای مبارزه با مفاسد اقتصادی و اداری مطلوب نباشد.

توجه و توسل ابتدایی روزافزون قانون گذاران به حقوق کیفری در راستای مقابله با جرایم اقتصادی و حوزه کسب و کار به رویکرد عملیاتی سیاست گذاران جنایی از جمله کشور ما تبدیل شده است. اگر چه این نگرش، با لزوم حفظ سلامت و پویایی اقتصاد و فضای کسب و کار در تضاد است، اما عدم التزام آن به راهبردها و اصول ناظر به کنترل کیفری، نمی‌توان تحقق اهداف مورد انتظار از آن را انتظار داشت. به همین دلیل به موجب نگرش راهبرد مدار التزام قانون گذاران به مقدمات ماقبل از جرم انگاری و کیفرگذاری، راهبردهای ناظر به تعیین مجازات و راهبردهای کنترل شکلی جرایم حوزه ی کسب و کار می‌نماید. به موجب این راهبردهای سه گانه ابتدائاً لازم است که قانون گذاران در پرتو اصل حداقل بودن کنترل کیفری جرم انگاری و کیفرگذاری را مدنظر قرار دهد و در پرتو آن ابتدائاً پاسخ‌ها و راه حل‌های مدنی و سپس اداری انتظامی را موضوع قانون گذاری قرار دهد. گستره پاسخ‌های مدنی و اداری انتظامی در حقوق کسب و کار ایران قابل توجه است و به شکلی مستقیم و غیرمستقیم مدنظر قرار گرفته است اما گستره ی فراوانی از تخلفات و رویه‌های مغایر اصول کسب و کار متصف به جرم انگاری و پاسخ گذاری شده اند. این در حالی است که به نظر می‌رسد بسیاری از این رفتارها را می‌توان با همان پاسخ‌های مدنی، جبران خسارت و مجازات انتظامی تعیین تکلیف نمود. حال در قالب جرم انگاری رفتارها، اگر چه بسیاری از رویه‌های مغایر اصول و ضوابط کسب و کار جرم انگاری شده اند، اما پراکندگی قوانین و فقدان قانون جامع ناظر به جرم انگاری از جمله ایرادات اساسی این کنترل کیفری است.

جرایم اقتصادی و تجاری حجم زیادی از قوانین کیفری را به خود اختصاص داده است. و در هر نظام حقوقی در تصویب قوانین کیفری و رعایت اصول قانون گذاری و فرایند اجرای آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است و توسعه هر نظامی در

گروی توسعه یافتگی زیرمجموعه‌های آن است. نظام حقوقی نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و برای رسیدن به اهداف خود باید تعاملات میان زیرمجموعه‌های آن به گونه‌ای باشد که میان آنها تعارض پدید نیاید. ارزیابی مداخله نظام عدالت کیفری نشان می‌دهد که در نظام قانونگذاری، ساز و کارهای بازخورد قانون در جامعه و نیز تعامل فرایند قانون گذاری با فرایند قضایی به صورت عینی پیش بینی نشده است و در نتیجه قانون گذار بدون توجه به تأثیر و تأثر متقابل میان قانون و رویه قضایی، اقدام به قانون نویسی می‌کند. در حوزه جرایم اقتصادی و تجاری با وجود اصول باارزشی مانند اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تفسیر مضیق قوانین، که امروزه تمامی نظام‌های حقوق کیفری به آن معتقدند و آن را سرلوحه خود در تصویب قوانین قرار داده‌اند و علی‌رغم تأکید این اصول بر وظیفه قانون گذار دذر تصویب متون قانونی روشن و صریح، در جرم انگاری جرایم متعدد اقتصادی شاهد بی توجهی قانون گذار به این موضوع مهم هستیم. ارزیابی این دسته از قوانین که به تصویب مجلس شورای اسلامی و دیگر مراجع قانون گذاری رسیده است. گویای این حقیقت است که قوانین متعدد و متورم موضوعه نه تنها به تحقق عدالت کیفری کمکی نکرده است بلکه به دلیل نارسایی و عدم رعایت موازین حقوقی در تصویب آن، موجب اطاله دادرسی و طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری، صدور آرای متفاوت در موضوع واحد دیگر مشکلات شده است. یکی از مهمترین مقدمات انجام صحیح وظیفه قضاوت، در اختیار داشتن قوانین مناسب است. پراکندگی قوانین کیفری اقتصادی سبب صدور آرای متفاوتی از محاکم مختلف می‌شود که در بسیاری از موارد در موضوعات و شرایط یکسان مجازات‌های متفاوتی اعمال شده است و اختلافات عمیقی بین آرای صادره از محاکم بدوی و آرای صادره از مراجع عالی وجود دارد که یقیناً آثار نامطلوبی بر فرایند دادرسی کیفری و نیز افکار عمومی نسبت به دستگاه قضایی بر جای می‌گذارد. اگر چه نمی‌توان تنها دلیل پراکندگی آرا را نارسایی قوانین موجود دانست و عوامل دیگری مانند اشتباه‌های قضایی، نحوه جذب، گزینش و آموزش قضات و ساختار و تشکیلات دستگاه قضایی از عوامل مهم در ناکارایی رسیدگی کیفری است، اما مهمترین عامل تأثیرگذار در کارایی و اثربخشی رسیدگی قضایی، فرایند قانونگذاری است. تدوین قوانین جزایی نارسا و ناقص اعم از شکلی و ماهوی، در اجرای عدالت و انسجام آرا مؤثر است و سبب پیدایش اختلاف در صدور آرای محاکم و بر جای گذاشتن آثاری نامطلوب خواهد شد. به کارگیری افراد متخصص و مجرب در روند تهیه لوایح قضایی، آموزش شیوه‌های قانون نویسی به این افراد، تجمیع و کدبندی قوانین و اصلاح و پالایش قوانین متروک با استفاده از تجربه‌های مفید دیگر کشورها از راهکارهایی است که در برطرف کردن معایب قانونگذاری سودمند خواهد بود. قانونگذار باید نسبت به تفسیرپذیری مفاهیم قانونی حساس باشد و از به کار بردن

عبارات و مفاهیم تفسیرپذیر و مجمل خودداری کند، در غیر این صورت روند قضایی نمی‌تواند تعامل حمایتی و منسجمی نسبت به اهداف مورد نظر قانونگذار داشته باشد.

بند ۱) استقرار اصل حاکمیت قوانین و توسعه اقتصادی

رشد و توسعه اقتصادی به نظم و قانون بستگی دارد: زیرا حقوق علاوه بر تنظیم روابط اجتماعی اهرم توسعه اقتصادی نیز هست. یعنی وسیله ایست که بر روابط تولیدی اثر می‌گذارد و نظامی می‌آفریند که اقتصاد و آثار ناشی از آن را به دنبال دارد. به عبارت دیگر چنانچه نظام سرمایه داری را نظامی موفق از نظر توسعه اقتصادی و صنعتی بدانیم، حکومت قانون شرط مقدم رقابت در این نظام است. پشتیبانی و پاسداری از حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از عناصر بنیادی توسعه پایدار و متوازن در یک جامعه است. یک نظام حقوقی و قضایی خوب هم هدف و هم ابزار تسهیل کننده دستیابی دیگر هدف‌های توسعه است. برقراری حکومت قانون امروزه در ادبیات وسیعی مرتبط با توسعه اقتصادی دانسته می‌شود و ظهور جهان مدرن از جمله اقتصاد سرمایه داری وسیعاً متکی به موجودیت از پیش حکومت قانون است.

بنا به گزارش بانک جهانی: «حکومت قانون برای توسعه و پایداری و فقرزدایی شرط اساسی است. سیستم‌های ضعیف حقوقی و قضایی از چند نظر ناکام در برنامه‌های فقرزدایی هستند: آنها سرمایه را به سوی بازارهای دیگر می‌رانند که بر اصول حقوقی و قضایی قابل پیش بینی استوار نیست. بخش‌های بزرگی از جامعه را از به کار انداختن دارایی‌های مولد محروم می‌سازند و اعتراض شهروندان را در فرآیند تصمیم‌گیری خاموش می‌کنند. اجرای ناکارآمد قانون به نابودی محیط زیست، فساد، پولشویی و دیگر مشکلاتی می‌انجامد که بر مردمان و اقتصاد در سراسر جهان سنگینی می‌کند و به آنها آسیب می‌رساند.» به همین دلیل فوکویاما نیز یکی از بزرگترین کمبودها در کشورهای در حال توسعه را ضعف نسبی حکومت قانون می‌داند. وی با تمایز قائل شدن میان دو مفهوم قانون و قانونگذار که برای درک معنای حکومت قانون آن را لازم می‌داند- در تحلیل خود در باب حکومت قانون، رشد قدرت و مشروعیت دولت‌های اروپایی را در عمل تنیده با ظهور حکومت قانون می‌داند. وی معتقد است که دولتهای اروپایی مجری عدالت اما نه لزوماً قانون بوده‌اند. قانون ریشه در جاهای دیگر مثلاً در مذهب یا آداب و رسوم داشته است. اختیار و مشروعیت این دول بیشتر متکی به قابلیتشان در اعمال بیطرفانه قوانینی بوده که لزوماً ساخته دست خودشان نبود.

رابطه میان یک نظام حقوقی و توسعه اقتصادی و صنعتی یک رابطه یک طرفه نیست و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. این تلازم و همکاری میان تکامل تدریجی صنعتی شدن و توسعه تکنولوژی باعث شد تا به قول گالبرایت اقتصاددان کانادایی، تضادهای صنعتی دارای قانونمندی و سیاست‌های خاص اجتماعی شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که صنعت و اقتصاد صنعتی علاوه بر تغییرات اجتماعی و اقتصادی که به همراه داشته است منجر به ایجاد یک نظام حقوقی و قانون مداری متفاوت و نوین گردیده است. در نظام سرمایه داری وجود قانون شرط مقدم رقابت می‌باشد این رقابت مستلزم عموم و شمول قوانین است. در کنار این موارد باید عنوان نمود که آزادی بازار کار و آزادی گزینش در سرمایه گذاری و آزادی در بستن قرارداد و از همه مهم‌تر پیش بینی پذیر بودن تصمیمات و آرای قضات، اساسی‌ترین ویژگی نظام‌های رقابتگر سرمایه داری است. به همین جهت است که نخستین تکلیف دولت در این نظام‌ها ایجاد و نگهداری یک نظم حقوقی است که اجرای قراردادها را تضمین و دخالت دولت در استفاده فردی از آزادی و اموال خصوصی را محدود نماید و یا حتی الامکان پیش بینی میزان دخالت دولت در این موارد مشخص و معین شود.

اگر از حیث تاریخی به جامعه انگلستان زمان انقلاب صنعتی نگریسته شود می‌توان به نقش و اهمیت قانون و نظام حقوقی به عنوان بستر لازم جهت توسعه و نیز شکل‌گیری نهادها و تأسیسات قانونی تحت تأثیر تحولات صنعتی پی برد. پیش از این هم گفته شد که دو تأسیس مهم حقوق کیفری و پلیس عمومی در بطن انقلاب صنعتی به وجود آمده و توسعه یافتند. به تعبیر برخی، تاریخ اجتماعی جرم‌انگاری و تکدی هم نشان می‌دهد که قانون علیه ولگردها و متکدیان در اروپای قرن ۱۶ به منظور حمایت از منافع سرمایه داران بود که از کمبود نیروی کار ناشی از مرگ و میر فراوان و انواع بیماری‌های واگیر رنج می‌بردند تصویب شد.

در حال حاضر حاکمیت قانون یکی از مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده در حوزه حقوق عمومی به ویژه حقوق اساسی شناخته شده و ارزشی جهان شمول دارد و حتی یکی از محک‌های ارزیابی نظام‌های حقوقی و سیاسی است. به طوری که هر نظام سیاسی و حقوقی در زمینه اوصاف حاکمیت قانون در مقام پاسخ‌گویی و ارزیابی قرار گرفته است. بی شک اصل حاکمیت قانون، سنگ زیرین روابط بین دولت و ملت به شمار می‌آید. به گونه‌ای که این اصل، الهام بخش مفاهیم و اصول دیگری از قبیل قانون اساسی‌گرایی، قانونیت، صلاحیت، مسئولیت، پاسخ‌گویی، کنترل قضایی و تفکیک قوا و دیگر اصول و مفاهیم مرتبط است که به نوبه خود، بنیان حقوق اساسی و حقوق اداری و به تعبیری کلیه گرایش‌های حقوق عمومی را شکل می‌دهند.

از سوی دیگر، از آنجا که مهم ترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و مردم از طرفی و مردم با یکدیگر است، با پیچیده تر شدن دو نوع تعامل یاد شده، نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون برجسته تر و قابل ملاحظه شده است.

از دید حقوقی، حاکمیت قانون یکی از مبانی حقوق تلقی می شود و اصل قانونی بودن جرایم، مجازات ها و دادرسی، متکی به حاکمیت قانون است. از نقطه نظر اقتصادی، اهمیت حاکمیت قانون برای رشد اقتصادی و توسعه پایدار، انکارپذیر است. از یک دیدگاه، حاکمیت قانون را می توان در پرتو اصل تفکیک قوا و به طور مضیق تعبیر و آن را ناظر بر مصوبات نهاد قانون گذاری یا پارلمانی دانست. در این مفهوم، قانون مبین حاکمیت و اراده ملی، بیان اراده آزاد و رسمی عموم است که از طریق نهاد قانون گذاری که خود تجلی اراده ملت و آینه ی تمام نمای آن است، عرضه و ارائه می شود. «قانون را به مفهوم عام آن نیز می توان به کار برد. در این مفهوم قانون ضوابط عام و کلی است که برای همگان به طور مساوی ایجاد حق و تکلیف می کند، حد و مرز اعمال تابعان قانون را مشخص می نماید و به تنظیم روابط افراد، گروه ها و جامعه مدنی می پردازد». مفهوم حاکمیت قانون، نفی حکومت شخص و تأکید بر حکومت قانون است. این امر به معنی مغایرت اتخاذ تصمیمات به نحو خودسرانه و هوسبازانه است؛ اما از آنجایی که قوانین همواره نیاز به تفسیر دارند، نقش افراد را نمی توان نادیده انگاشت. حاکمیت قانون بر این موضوع تأکید دارد که هر شخصی صرف نظر از درجه و مقامش در اجتماع باید تابع قانون باشد و قوانین به طور مساوی در مورد همه صرف نظر از طبقه و قومیت و مذهب اعمال شود و برای ارگان های دولتی نیز الزام آور باشد؛ به نحوی که هیچ کس مافوق قانون نباشد.

حاکمیت قانون هم تکلیف شهروندان به عمل کردن مطابق قانون است و هم جنبه حمایتی از شهروندان را شامل می شود. دولت باید تابع قانون بوده و مطابق قانون عمل کند و برای حمایت از حقوق شهروندان از رفتار مستبدانه و سوء استفاده از قدرت خودداری و جلوگیری کند. می توان گفت شالوده تمام قانون های اساسی بر حاکمیت قانون استوار است و نتیجه بخش بودن آنها در گرو حاکمیت قانون است. در واقع حاکمیت قانون چارچوبی برای همکاری اجتماعی میان افراد جامعه است و موقعیتی را ایجاد می کند که در آن شهروندان و مقامات، رفتار خود را با قواعد شناخته شده عمومی، که پذیرفته شده و برای همگان الزام آور است، تنظیم و کنترل می نمایند.

سازمان ملل، در تعریف حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره داشته و پاسخ گو بودن در برابر قوانین را برای همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی که شامل خود دولت نیز هست، الزامی می داند. قوانینی که به طور عمومی منتشر شده اند، به طور

مساوی اجرا می‌شوند، به طور مستقل حاکم می‌شوند و ضمناً با حقوق بشر بین المللی نیز سازگار هستند. بانک جهانی نیز حاکمیت قانون را محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوء استفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش تعریف کرده و معتقد است که حاکمیت قانون تنها قواعد و مقرراتی نیست که توسط قانون وضع می‌شود، بلکه تضمینی است برای آزادی، حقوق بشر و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون.

حاکمیت قانون از طریق کانال‌هایی، رشد اقتصادی را متأثر می‌نماید. کانال اول، حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهاست. توضیح نحوه اثرگذاری حاکمیت قانون از طریق این کانال بر رشد اقتصادی بدین صورت است که هر چه حقوق مالکیت پیشرفته‌تر باشد، انگیزه افراد برای سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد بود. زیرا مالکان به حصول سود سرمایه‌گذاری‌های خود در آینده مطمئن خواهند بود. همچنین، زمانی که افراد اختیار دارایی خود را داشته باشند می‌توانند بر روی آنها تجارت کنند. حسن اجرای قراردادها نیز با ایجاد اعتماد بیشتر در سرمایه‌گذاران ملی و بین‌المللی، به تسریع رشد اقتصادی کمک می‌نماید. وقتی احتمال دارد شریک تجاری افراد که ممکن است دولت نیز باشد، از قراردادها پیروی نکند، میزان ریسک افزایش یافته و تولید کاهش خواهد یافت. همچنین، حاکمیت قانون از طریق توسعه بازارها، رشد اقتصادی را متأثر می‌نماید، چرا که قانون و نهادهای خوب بازارها را تقویت می‌کنند و هر مبادله‌ای در بازار نیازمند ساختاری قانونی است که متضمن به رسمیت شناختن حقوق مالکیت خریداران و فروشندگان می‌باشد. همچنین وجود ساز و کارهای اجرای قراردادها از جمله قوانین صریح قابل پیش‌بینی، شفافیت در روش‌ها و اجرای بی‌طرفانه قوانین نیز برای توسعه بازارها ضروری است و نهایتاً حاکمیت قانون می‌تواند از طریق تشویق کارآفرینی و توسعه کسب و کار نیز بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. در کشورهایی که حاکمیت قانون اجرا می‌شود، موانع کمی برای ورود به سیستم رسمی وضع می‌گردد، اما در کشورهای در حال توسعه که اصل حاکمیت قانون در آنها اجرا نمی‌شود، موانع زیادی برای کارآفرینان جهت حرکت از یک وضعیت غیرقانونی به یک کسب و کار منسجم وجود دارد و اکثریت کارآفرینی‌های کوچک در بخش‌های غیررسمی مشغولند.

الف) اصل کیفیت قوانین

از سال ۱۹۸۴ با ایجاد رویکردی نوین در حقوق کیفری با عنوان «اصل کیفیت قانون» توسط دیوان اروپایی حقوق بشر، حقوق کیفری بیش از پیش با موازین عدالت و اخلاق اجتماعی سازگاری یافت. براساس این اصل، فقط قانونی را می‌توان از نظر

موازین اخلاقی و حقوق بشری قانون کیفی دانست که مطابق با مؤلفه‌های کیفیت قانون باشد و فقدان هر کدام از این شرایط، قانون مربوطه را از درجه ی اعتبار ساقط می‌کند.

ب) اصل شفافیت قوانین

شفافیت یکی از روش‌هایی است که امروزه در جوامع مترقی، برای پیشگیری و مقابله با فساد و جرایم اقتصادی از آن بهره می‌گیرند. نبود شفافیت امکان سوء استفاده توسط مقام‌های دولتی را افزایش می‌دهد و قدرت نظارت مردم که به مثابه یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری از جرایم اقتصادی است، کاهش می‌دهد. بنابراین افزایش میزان شفافیت، عاملی مؤثر در زمینه رقابت سالم در فضای اقتصادی است که با الزام مسئولان به گزارش دهی، از ایجاد امکان سوء استفاده و به دنبال آن وقوع جرایم اقتصادی از جمله رانت و پدیده‌هایی همچون آقازادگی پیشگیری می‌کند. نظام حقوق کیفری که بازوی اجرای عدالت در حکومت‌ها محسوب می‌شود، با ایفای نقش فعال از به خطر افتادن نظم، عدالت اجتماعی و شفافیت در جامعه از طریق سیاست گذاری و حمایت کیفری از شفافیت اطلاعات در نظام اقتصادی پیشگیری کرده و در صورت بروز، برخوردی شایسته و کارآمد می‌کند.

شفافیت مفهوم وسیعی است که در بخش‌های مختلفی اعمال می‌شود. امانوئل کانت در این خصوص، شفافیت را به عنوان آزمونی برای مشروعیت معرفی کرده که برای تقویت رابطه حکومت با شهروندان، یک حرکت اساسی مراکز قدرت را می‌دهد. اصل شفافیت مختص جوامع نوین امروزی نیست بلکه در رویکرد دینی نیز به مفهوم و محتوای شفافیت اشاره شده است، همچنان که سنت پیشوایان اسلام مؤید اصل شفافیت و پرهیز از احتجاب در تعامل با جامعه است.

در بهبود سیاست گذاری قلمداد می‌شود و یکی از مؤلفه‌های اداره مناسب و عادلانه حکومت محسوب می‌شود. اصل شفافیت خاصیتی عمومی است که با بکارگیری سیاست‌ها، عملکردها و شیوه‌هایی خاص، به شهروندان اجازه دسترسی، استفاده، سود بردن، فهمیدن، اطلاع رسانی و حسابرسی اطلاعات و روند برگزار شده آن‌ها توسط

مسئله شفافیت در چند سال اخیر، مورد توجه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بندهای ۱۹ و ۲۳ قرار گرفته است. بند ۱۹، بر شفاف سازی اقتصاد و جلوگیری از اقدامات فسادزا در زمینه‌های پولی، تجاری و ارزی، تأکید و در بند ۲۳ نیز، شفاف سازی نظام توزیع را مطالبه می‌کند. البته در زمینه مبارزه با مفاسد و جرائم اقتصادی، قوانینی از جمله قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۰۲/۲۹ که در فصل دوم آن به طور مشخص به مسئله پیشگیری از مفاسد و وظیفه دستگاه‌ها در

این خصوص پرداخته شده است، قانون نظارت بر مسافرت‌های خارجی کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۳/۰۶/۲۰، آیین نامه پیشگیری و مقابله نظام مند و پایدار با مفساد اقتصادی در قوه مجریه مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ هیئت وزیران، قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب آذرماه ۱۳۱۵، قانون نحوه نظارت مجلس شورای اسلامی بر انعقاد قراردادها در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۱/۰۷/۲۹، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۰۳/۱۹ به تصویب رسیده‌اند. اهمیت موضوع شفافیت به حدی است که در این خصوص «سازمان شفافیت بین الملل» ایجاد شده است. این سازمان که یک سازمان غیردولتی است و هدف خود را تلاش برای مبارزه با فساد و افزایش آگاهی در خصوص مبارزه با فساد قرار داده است؛ سازمان یاد شده شفافیت را این چنین تعریف می‌کند: شفافیت اصلی است که افراد بتوانند از تصمیم‌های اداری، معامله‌های تجاری و فعالیت‌های خیریه که زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، نه فقط از اصل موضوع، تعداد موضوعات و از شیوه‌های تصمیم‌گیری آنها مطلع شود، همچنین وظیفه و تکلیف مستخدمان و مدیران دولتی است که رفتار آنان قابل مشاهده، قابل پیش‌بینی و قابل درک باشد.

اصل شفافیت به عنوان اصلی استوار و غیرقابل ایراد در حقوق کسب و کار، با هدف تنظیم بازار و مراودات بازرگانی و تجاری شکل گرفته است. قاعده افشاگری در حقوق کیفری کسب و کار نیز از این اصل نشأت می‌گیرد. به طور کلی، اصل شفافیت قاعده و هنجارهای کلی است برای رفتار شایسته در روابط اقتصادی. به همین منظور، رویه قضایی فرانسه با تکیه بر اصل قضایی شفافیت بر این نکته تأکید دارد که ضرورت ارائه اطلاعات به دیگر تنها در چارچوب قوانین خاص نخواهد بود، بلکه خارج از این قوانین و در موارد مشابه و زمانی که موقعیت آن را بطلبد، اصل شفافیت به عنوان قاعده کلی در روابط کسب و کار عمل می‌نماید. شفافیت در حقوق کسب و کار تنها یک اصل نیست، بلکه یک حق است. حق شفافیت دو جنبه داخلی و خارجی دارد. در مورد جنبه داخلی، باید به این نکته توجه کرد که این حق در مورد کلیه حقوقی که برای دسترسی به اطلاعات داخلی یک شرکت وجود دارد مطرح است. این حق مخصوص افراد داخل شرکت مانند سهام داران، مدیران عامل، هیأت مدیره و... است و حس کارکرد و فعالیت آن را تضمین می‌کند. در میان مجموعه حقوق داخلی می‌توان به حق سهام داران و شرکاء بر داشتن اطلاعات و حق آگاه شدن از موقعیت اضطراری شرکت نام برد.

درباره جنبه خارجی حق شفافیت، باید گفت که اطلاعات یک شرکت از حصار آن خارج شده و به اصطلاح به «بیرون درز پیدا خواهد کرد». حق شفافیت را هر شخص حقیقی و حقوقی که خارج از شرکت باشد، خواهد داشت. چنین حقی در قراردادهای تجاری جلوه می‌نمایند. به طور کلی، حقوق تعهدات فرانسه بر مبنای فلسفه شفافیت بنا نهاده شده است. زیرا، اصل بر این است

که دو اداره برای تشکیل قرارداد کافی است و قاعدتاً این دو اداره، به طور آشکاری قادر به جهت دادن به ادامه مذاکرات پیش از قرارداد برای منعقد نمودن آن در راستای منافع هر یک از طرفین خواهد بود.

حقوق تعهدات فرانسه، که بازتاب آن در قانون حمایت از مصرف کننده این کشور نیز می‌توان مشاهده کرد، مبنایی جامعه شناختی دارد. این توازن بر اصل شفافیت مبتنی است. به همین دلیل، مصرف کننده از حق داشتن یک سلسله اطلاعات خاص در قراردادهایی منعقد شده با صاحب یک حرفه و تخصص بهره مند خواهد شد تا بدین وسیله عدم تعادلی را که ممکن است در رابطه میان این دو به نفع متخصص دارای موقعیت برتر وجود داشته باشد، اصلاح نماید. هدف ابتدایی ایجاد چنین توازنی آن است که آگاهی نابرابر بالقوه که در رابطه قراردادی میان مصرف کننده و متخصص حرفه‌ای وجود دارد، به ایجاد قراردادی نامنصفانه و نامتوازن نینجامد. بدین ترتیب است که مصرف کننده صاحب حق «حق داشتن اطلاعات» می‌شود تا به وسیله آن از مزایا و اطلاعاتی که متخصصین صاحب یک حرفه از آنها مطلع است، استفاده کند. که اصل شفافیت در حقوق کسب و کار امر منحصر به فرد است. این ویژگی بدین دلیل است که اصل شفافیت در قراردادهای تجاری و در حوزه اقتصادی در تضاد با اصل حفظ اسرار است. قوانین و مقررات تجاری، شرکت‌های تجاری را به پیروی از یک سلسله سیاست‌های مراقبت، پاکدستی و تدابیر پیشگیری از جرم در این حوزه ملزم می‌کند. در این راستاست که راهبردهای کلی شرکت‌هایی که در جهت پنهان کاری و عدم شفاف سازی گام برمی‌دارند، محکوم است. در فرانسه، اصل «حفظ اسرار تجاری و حرفه‌ای» روز به روز محدودتر می‌شود. امروزه سیاست‌های شرکت‌های تجاری فرانسوی به گونه‌ای به پیش می‌رود گویی که همه شرکت‌ها هدفی جز ارایه یک «خانه شیشه‌ای» که همه چیز در آن هویدا و آشکار باشد، ندارد.

بند ۲) تدوین قوانین کیفی جامع در حوزه کسب و کار و تجارت

دلایل مختلفی را می‌توان برای زمینه سازی و شکل گیری فرایند تدوین قوانین جامع مطرح کرد. در صدر این موارد دلایل فنی است که تنقیح و تدوین را به عنوان ابزاری برای علاج پراکندگی منابع حقوق و دستیابی و فهم قواعد معرفی می‌کنند. یکپارچگی مقررات و امنیت حقوقی نیز به عنوان جزء لاینفکی از مفهوم «قانون جامع» ارزیابی شده‌اند.

علاوه بر این مطالعات متعددی این پدیده را به نیازها در مورد دسته بندی و اطلاع رسانی در مورد قواعد حقوقی، اثبات و انسجام، سهولت و یکپارچگی ارتباط داده‌اند. به ویژه از جهت هماهنگی و یکپارچگی مدل و الگوی تدوین در جستجوی پاسخی به ضرورت ارتباط و هماهنگی اجزاء مختلف یک نظام حقوقی به منظور جلوگیری از تعارض‌های درونی است.

تدوین قوانین جامع همچنين هدف شفافيت را نيز پاسخ می‌گويد: اين فرايند به سمت يك حقوق پيوسته و گردآوری شده در يك يا چند «قانون جامع» براساس يك پلان منطقی با دسته‌بندي‌های نظام مند سمت و سو می‌دهد که حقوق را بيشتتر قابل مطالعه و يا حداقل بيشتتر قابل دسترسي برای عموم می‌نماید.

در فرانسه عنوان قانون طبع کد يفيکاسيون (codificutio) گفته می‌شود. اصطلاحی است که فرايند طبقه بندي و تدوين و همين طور نتيجه و محصول اين اقدامات را توضيح می‌دهد. اين اصطلاح بيشتتر در اشاره به گردآوری متون حقوقی و نظم و ترتيب بخشيدن به قواعد مرتبط با يك موضوع مشخص و قرار دادن آن در دل يك مجموعه مدون به کار می‌رود که اين مجموعه در اصطلاح که (قانون جامع يا قانون نامه) ناميده می‌شود. اين قانون جامع برای حل مشکل ابهام و پيچيدگی حقوق به واسطه تعارض مقررات و در نتيجه عدم امنيت حقوقی بودند. اين قانون جامع تأسيسات حقوقی پراکنده را از کتاب‌ها و عناوين مختلف برداشته و آن‌ها را براساس يك پلان روش مند طبقه بندي می‌دهد و معمولاً به شکل يك کتاب عرضه می‌شود. بی توجهی به تنقيح قوانین در گذشته و حال با خود مشکلات بسياری از جمله فساد را به دنبال داشته است. یکی از روزه‌های مهم فساد اداری و بعضاً فساد اقتصادی، نابسامانی قوانین است. فسادی که ناشی از مشابهات، مغايرت‌ها و تناقضات موجود در قوانین است.

هر روز در کارخانه، قانون سازی به قوانین موجود اضافه می‌شود و قطعاً ما جزء کشورهای هستيم که بيشتترين ميزان قانون را در طول تاريخ داشته ايم و همين موضوع باعث شده که افرادی که دست اندرکار قانون هستند در چنان سردرگمی قرار گیرند که گاهی تشخيص قانون حاکم و قانون فسخ شده به سختی امکان پذیر است.

به طوری که گاه اتفاق افتاده که درباره يك موضوع واحد به استناد قوانین مختلف حتی در دادگاه‌ها احکام متناقضی صادر شده است. چنین وضعیتی نامطلوب و ناشی از دو ایراد مهم است. اولين مورد تعدد قوانین است و دوم اینکه آنقدر پراکندگی قوانین وجود دارد که قانون حاکم را به سختی می‌توان يافت.

خیلی از اساتيد حقوق اعتقاد دارند که قانون يك موجود زنده است که در طول زمان بعضی از اجزای آن قانون پير می‌شود و از بين می‌رود و برخی قسمت‌های جديد به آن اضافه می‌شود. اين سبک مبتنی بر قانون نویسی جامع است و براساس آن مقررات مرتبط و نظريات اندیشمندان، ذيل قوانین اضافه می‌شود.

در ایران فرآیند تنقیح قوانین و مقررات در قوه قضائیه در سه فرایند کلان شامل فراهم آوری قوانین و مقررات مرتبط براساس کدهای پیش بینی شده، تهیه جداول تنقیحی، تهیه و تدوین لوایح تقنینی و یا لوایح اصلاحی محقق می‌شود.

همچنان که جامعه حقوقی شاهد و ناظر است در هر بار خرید قوانین جدید در قالب مجموعه‌های به اصطلاح تنقیح شده با قطور شدن صفحات قانون و مجموعه قوانین به ویژه در امور کیفری روبرو هستیم. اگر نگاهی به قفسه مجموعه قوانین خویش انداخته و خطر مجموعه قوانین کیفری از سالیان قبل تاکنون را بسنجید خواهید دید که هر سال با مجموعه قوانین مترکم از حیث مواد قوانین نو روبرو هستید. به عبارتی در حال حاضر باران قانون منجر به تشتت آراء و برداشت قضایی متفاوت از موضوعات واحد در جامعه حقوق گردیده است آنچه که در حقوق کیفری نوین به تورم قوانین اشتهار دارد. ایجاد حجم عظیمی از قوانین کیفری و حقوقی که در طول زمان بر گستردگی آن افزوده شده نه تنها موجب آرامش حقوقی نشده بلکه به تهافت و تشتت اندیشه‌های حقوقی مبدل گشته است. در حال حاضر در کشورهای پیشرفته از حیث حقوقی ایجاد قانون از امری اتفاق و آنی به موضوع علم قانون گذاری تبدیل شده است. امروزه علم قانون گذاری از برخورد و تعرض، تقدم و تأخر، اجمال و ابهام و بالاخره دوبارگویی قوانین و مقررات جلوگیری می‌نماید. فرض کنید در حقوق داخلی در باب کلاهبرداری قوانین و مواد قانونی متعددی داریم. ۱- قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ ۲- قانون مجازات اسلامی (فصل یازدهم) در باب ارتشاء، ربا، کلاهبرداری ۳- ماده ۶۷ از قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ ۴- ماده ۱۳ از قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ در خصوص کلاهبرداری‌های رایانه‌ای ۵- جرایم مربوط به قانون ثبت که در این قانون دسته‌ای از تخلفات ثبتی را کلاهبرداری دانسته مثل ثبت ملک و غیره و ... ۶- قنون مجازات راجع به انتقال مال غیر که این عمل را در حکم کلاهبرداری دانسته است.

حال اگر این شش قانون در یک مجموعه منظم از حیث فهرست، تاریخ و موضوع زیر عنوان کلاهبرداری قرار گیرد و گردآوری شوند. با نهاد تدوین روبرو هستیم اما در صورتی که در بین شش قانون فوق الاشعار در مورد یک موضوع واحد، تعارضاتی در برخی از قوانین فوق موجود باشد که مشخص نیست کدام یک از این شش قانون مجری است و سپس نهاد قانونی با اختیارات قانونی، قانون منسوخ و قانون حاکم بر موضوع را از بین شش قانون برجسته سازد با نهاد تنقیح روبرو خواهیم بود. بنابراین آنچه در حال حاضر در نهادهای متولی تدوین و تنقیح در ایران تحت عنوان مجموعه‌های منقح شده قوانین و مقررات کیفری یا حقوق ارائه می‌گردد نه بالواقع تنقیح بلکه اصطلاحاً تنقیح و فی الواقع تدوین محسوب می‌شود.

قانونگذار به فراخور احساس نیاز به حمایت از ارزش‌های جامعه در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دست به جرم‌انگاری برخی از رفتارها زده است. این عملکرد قانونگذار را می‌توان به نوشدارویی آنی برای درمان تمامی مشکلات اجتماعی تشبیه کرد. حجم وسیع قوانین نشان می‌دهد که حقوق کیفری بیشتر به عنوان نخستین راه حل قانونگذار برای رفع هر مشکلی است. اما صرف‌نظر از بحث‌های فلسفی که در خصوص الزام قانونگذار در به کار بردن حقوق کیفری به عنوان آخرین راه حل پیش می‌آید آنچه بیش از این بحث‌های فلسفی اهمیت دارد ارزیابی عملی مداخلات کیفری است. مداخله کیفری در حوزه اقتصاد اگر بیش از دیگر حوزه‌ها نباشد کمتر نیز نخواهد بود. جرایم اقتصادی یکی از عمده‌ترین بخش‌های قانون کیفری را به خود اختصاص داده است؛ با وجود این قانونگذار تاکنون آن را به عنوان بخشی مستقل به رسمیت نشناخته است و در صدد سازماندهی و تنقیح آن به صورت مجموعه‌ای مستقل برنیامده است و در عوض در هر فرصت و مقطعی که احساسا نیاز کرده است بدون در نظر گرفتن معیارها و اصول راهنمای وضع قانون اقدام به رفع مسکن وار مشکلات پیش آمده از طریق تصویب یک جرم اقتصادی نموده است. این آشفتگی در حوزه قانونگذاری به طور طبیعی آشفتگی، بی‌نظمی و تداخل در نهادها و روند رسیدگی به این جرایم را موجب خواهد شد مرحله‌ای که در آن شفافیت قوانین ارتباط مستقیمی با حقوق متهمی خواهد داشت که مهمترین سلاحش در دفاع از خود، وجود قوانین صریح و شفاف در مرحله رسیدگی شکلی به جرم است.

بند ۴) تحکیم نهاد مالکیت و تحقیق امنیت اقتصادی

قانون اساسی به عنوان تصویر ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم چارچوب‌های نظام حقوقی اقتصادی را پی ریزی می‌نماید. بازخوانی تاریخی روند تصویب قانون اساسی حاکی از آن است که تدوین کنندگان و اعضا مجلس مؤسسان به اهمیت مالکیت خصوصی و شناسایی آن واقف بوده‌اند در همین راستا دغدغه‌های جدی در خصوص از بین رفتن و محدود شدن بخش خصوصی و حاکمیت نظام سوسیالیستی ابزار شده است. علی‌رغم ابزار چنین دغدغه‌هایی که عموماً ریشه در زمینه‌های فقهی و اهمیت مالکیت خصوصی در آراء فقها دارد ولی اصل ۴۴ پایه‌های بنیادی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی را بر بخش دولتی و تعاونی قرار داد و بخش خصوصی را عرصه‌ای مکمل برای فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی قلمداد کرد. این تصویر ما را به ویژگی شبه سوسیالیستی اصل ۴۴ که متأثر از شرایط عینی و ذهنی تاریخی عصر خود می‌باشد رهنمون می‌سازد.

الزامات علمی عرصه اقتصاد سیاسی و صنعتی به علاوه دگرگونی ارزش‌های اقتصادی پاره‌ای از گروه‌های اجتماعی به همراه تجربه ناکام اکثر نظام‌های سوسیالیستی که با پایان برخی از دولت‌های رفاه در اروپا و تجدید حیات نئولیبرال‌ها همراه بود همگی ناکارآمدی نظام اقتصادی بر ساخته اصل ۴۴ را نمایان کرد. از این رو، مجمع تشخیص مصلحت نظام به تدوین سیاست‌های کلی این اصل براساس یک تفسیر مصلحت‌گرایانه مبتنی بر نیازهای جدید جامعه از اصل ۴۴ روی آورد که با روش تفسیری متن‌گرایانه قرابت چندانی نداشت. این تفسیر در زمره تفاسیر ضد منشاگراست به طوری که استلزامات عرصه عمل نقش زیادی در این رویکرد داشته است.

بند ۵) ضرورت الحاق دولت ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با فساد اقتصادی و جرایم سازمان یافته

در عرصه بین‌المللی، سازمان ملل متحد با بهره‌گیری از نهادهای تخصصی خود دو سند بین‌المللی مهم مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی موسوم به کنوانسیون پالمو (۲۰۰۰) و مبارزه با فساد مالی معروف به کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳) تصویب نموده که این اسناد به خصوص مریدا حاوی نوآوری‌هایی چه در سطح ملی (دست کم برای پاره‌ای از نظام‌های حقوقی مانند ایران در زمینه مسائلی مانند ۱- تسری شمولیت مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی، ۲- توصیه به جرم‌انگاری ارتشا و اختلاس در بخش خصوصی، ۳- حمایت از شهود، کارشناسان و گزارش‌دهندگان فساد مالی و...) و چه در سطح بین‌المللی برای همکاری گسترده دولت‌ها در ابعاد مختلف علمی، فنی و قضایی می‌باشد.

در این میان یکی از اقدامات مؤثر بین‌المللی برای مقابله با فساد اداری و مالی، تصویب کنوانسیون مریدا (کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب سال ۲۰۰۳ سازمان ملل) است. این سند زمینه یک همکاری بین‌المللی برای مبارزه و پیشگیری از فساد را فراهم نموده است. تصویب این کنوانسیون توسط مقنن ایران در تاریخ ۱۳۸۷/۸/۲۰ الزاماتی را ایجاد نموده است، زیرا در این کنوانسیون جرم‌انگاری‌های جدیدی صورت پذیرفته و به دولت‌های عضو تکلیف شده است. تطبیق جرایم جدید بررسی شده در کنوانسیون با حقوق کیفری ایران نشان می‌دهد که یا اصلاً جرمی با این عنوان در قانون کیفری ایران وجود ندارد یا تحت عنوان دیگری، جرم‌انگاری شده است و یا قانون کیفری ایران قسمتی از آن جرم را و نه به طور کامل مورد توجه قرار داده است. مقنن با تصویب این جرایم ضمن اینکه قوانین داخلی در ارتباط با مبارزه با فساد اداری و مالی را تکمیل خواهد کرد، در همکاری بین‌المللی مبارزه با فساد نیز مشارکت خواهد داشت.

به دنبال تلاش‌های بین‌المللی و عضویت ایران به کنوانسیون مریدا، در حقوق داخلی نیز، می‌توان یکی از اقدامات مؤثر قانونگذار در زمینه مبارزه با فساد اداری را تصویب «قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد» دانست که دارای ۳۵ ماده و ۲۸ تبصره است و در سال ۱۳۸۷ به صورت آزمایشی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۷ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصالح نظام تشخیص داده شد و آیین‌نامه‌های اجرای آن یکی پس از دیگری تدوین و به تصویب رسیده است که می‌توان به آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۳/۴/۱۵ در خصوص ماده ۲۶ و آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۲/۴/۲۵ در خصوص تبصره ۴ ماده ۶ قانون مذکور اشاره کرد. فصل اول این قانون، به تعاریف و اشخاص مشمول قانون پرداخته و فصل دوم آن که اساسی‌ترین فصل این قانون و اداری مواد قانونی فراوانی است، به موضوع پیشگیری اختصاص داده شده است. در فصل اخیرالذکر، تکالیف دستگاه‌ها در امر پیشگیری و مقابله با فساد اداری به صورت مبسوط بیان شده است.

با توجه به ماهیت فرباخشی کنوانسیون و به منظور تضمین حسن اجرای تعهدات جمهوری اسلامی ایران ذیل کنوانسیون و تضمین بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن در مقابله با فساد در کشور، هیات محترم وزیران در تاریخ ۸۸/۱۲/۲۴، وزارت دادگستری را به عنوان مرجع ملی کنوانسیون مذکور تعیین نمود.

از آن تاریخ تاکنون، وزارت دادگستری اقدامات گسترده‌ای جهت اجرای تعهدات جمهوری اسلامی ایران ذیل کنوانسیون و ظرفیت‌سازی در دستگاه‌های داخلی برای بهره‌گیری از مفاد کنوانسیون و نهادهای مربوط به آن به عمل آورده است. ضمناً وزارت دادگستری به عنوان مرجع ملی کنوانسیون مبارزه با فساد تلاش کرده است تا با بررسی و اظهار نظر راجع به اسناد بین‌المللی و حضور فعال در نشست‌های بین‌المللی، حضور کشورمان در هنجارسازی بین‌المللی در حوزه مبارزه با فساد را نیز تقویت نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اصل ۴۴ قانون اساسی اقتصاد مختلط دولتی، خصوصی و تعاونی را با اولویت اقتصاد دولتی پذیرفته است اما ناکارایی اقتصاد دولتی، رشد فزاینده جرایم و مفسدات اقتصادی و مالی در بین کارکنان دولت، و مسائل بین‌المللی مجموعاً سبب گردیده که مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ اصل ۴۴ قانون اساسی را، تفسیر و با تدوین سیاست‌های کلی نظام در این اصل، راه خصوصی‌سازی را هموار نمود و به دنبال مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۷ با تصویب قانون اجرای سیاست‌های

اصل ۴۴، اجرای عملی خصوصی سازی را به دولت ابلاغ نمودند. از انجاییکه اجرای خصوصی سازی موجب واگذاری و انتقال مالکیت دولت و شرکت های دولتی به بخش های خصوصی و تعاونی و نهادهای غیر دولتی می گردد. به دنبال آن شاهد افزایش حجم فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی خواهیم بود. مطالعه قوانین مرتبط با خصوصی سازی حکایت از این واقعیت دارد که با وجود اینکه راهبردهای تقنینی خوبی در فصل نهم قانون اصلاح برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست های اصل ۴۴، در خصوص قضاودایی، جرم زدایی و کیفرزدایی از قبیل تخلف انگاری رویه های ضد رقابتی، اعمال فرایند رسیدگی به این تخلفات در شورای رقابت به عنوان یک نهاد شبه قضایی در راستای سیاست کیفری قضاودایی و جذف ضمانت های کیفری و جایگزینی آن با ضمانت اجراهای غیر کیفری در حوزه کسب و کار و تجارت مشاهده می شود لیکن مقنن تدابیر و راهبردهای کیفری نظامند و هوشمندانه که مستلزم ایجاد بستر حقوقی همگام و متوازن با گسترش خصوصی سازی و نیل به توسعه اقتصادی کشور باشد به کار نبسته است.

این خلأهای قانونی در حوزه های متعدد مانند عدم وجود قوانین جامع کیفری اقتصادی، نقص و نارسایی در جرایم تجاری، مالیاتی، بورسی و ... افراطی گرای در جرم انگاری و اعمال واکنش های کیفری در حوزه تجارت و کسب و کار مانع حقیقی برای موفقیت در خصوصی سازی با هدف دستیابی به توسعه اقتصادی کشور شده است.

به نظر می رسد مقنن باید با اتخاذ و تدوین راهبردهای سیاست کیفری از جمله حمایت از تدوین جرم انگاری نوین در جرایم اقتصادی، ملی و بین المللی، و با مداخله حداقلی در حوزه کسب و کار از طریق قضاودایی، جرم زدایی و کیفرزدایی هوشمندانه و نظامند در حمایت از مالکیت، سرمایه گذاری داخلی و خارجی، تولید و کسب و کار از یک طرف و الحاق ایران به کنوانسیون های منطقه ای و بین المللی مبارزه با فساد و با همکاری های دو جانبه بین المللی، راه را برای رفع چالش ها و موانع اجرای موفق خصوصی سازی و رشد و توسعه اقتصادی کشور هموار نماید.

- جعفری، امین، حقوق کیفری کسب و کار، تهران، نشر شهر دانش، صص ۲۳۲-۲۳۴
- نجفی ابرندآمادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، ۱۳۷۷، دانشنامه جرم شناسی، تهران، دانشگاه شهیدبهبشتی
- مهر، نسرين، درآمد بر جرم زادایی، کیفرزادایی و قضاذادایی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، ص ۶
- گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۴، گزارش جرم زادایی شورای اروپا (ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضایی)، انتشارات سلسبیل، ص ۱۷
- نوبهار، رحیم، ۱۳۹۰، اصل کاربرد کیفری، آموزه های حقوق کیفری، شماره ۱، ص ۹
- جعفری، مجتبی، ۱۳۹۲، جامعه شناسی حقوق کیفری، رویکرد اقتصادی به حقوق کیفری، تهران، نشر میزان
- Sameli, etal, 2011
- Hoggurd, etal, 2008
- Stolper, etal, 2006
- Hassa, etal, 2010
- جلیلوند، محمد، گرجی از قدریانی، علی اکبر، ۱۳۹۹، نظارت نهاد بامداد قانون اساسی بر شفافیت قوانین، مطالعه تطبیقی شورای نگهبان ایران و دادگاه قانون اساسی آلمان، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۴، ص ۴
- زن زادگان، حسن علی، راهدارپور، حامد ۱۳۹۷، اصل شفافیت قانون و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران، دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۸۱، ص ۱۹۵
- Dominigne Bure av
- اختیاری، احمد، ۱۳۸۶، تدوین قوانین جامع در حقوق فرانسه، تاریخچه، اهداف و نتایج، فصل نامه گواه، شماره ۱۰، ص ۶۰.
- Rodriguez,2030182
- مهدوی پور، اعظم، ۱۳۹۵، سیاست کیفری افتراقی در قلم و بزهکاری اقتصادی، نشر میزان، ص ۵۷
- حقیقت جو، مهدی، ۱۴۰۰، آیین رسیدگی به تعامل های ضد تجاری و شیوه موثر مقابله با آنان، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره سیزدهم، شماره ۴، ص ۹.
- میرزایی منفرد، غلامعلی، ۱۳۹۲، تحلیل جرم سوء استفاده از اطلاعات نهایی در بازار اوراق بهادار، آموزه های حقوق کیفری، دوره جدید، شماره ۵، ص ۸۲.
- ابریشمی، حمید، هادیان، محمد، ۱۳۸۳، رانت جویی و رشد اقتصادی مجله، تحقیقات حقوقی، شماره ۶۷، دوره ۳۹، ص ۱۴.
- خسروانی نژاد، محمدجواد، ۱۳۹۰، رانت از منظم حقوق جزا، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق و جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شیراز، ص ۳۳.

خالقی، ابوالفتح، صالح آباد، زهرا، ۱۳۹۴، سرقت هویت در حقوق فدرال آمریکا، با نگاهی اجتماعی به حقوق ایران، دو فصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱۰۴، ص ۸۸

Simon and Jacobs, 2003, 103

Gesmer, 2000, 25

Alsbilt, 200, 52

Wamer, 2012, 147

محمدزاده، هانیه، بولاغ، محمود، ۱۳۹۵، جرم انگاری افشای اسرار حرفه ای در فضای سایبری، پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش علوم و تکنولوژی برلین آلمان

وروایی، اکبر، بنی نعیم، عیسی، ۱۳۹۷، جستاری بر راهبردهای کنترل کیفری جرایم حوزه کسب و کار، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره دوم، ص ۶۲.

رنیالی، امیر حمزه، احمدی، علی، ۱۳۸۳، سازمان تعزیرات حکومتی، از قضا زدایی تا کیفر زدایی و رعایت حقوق متهمان و بزه دیدگان، حقوق دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، ص ۳۰۶ و ۳۰۷.

گلدوزیان، ۱۳۸۶،

کلانتری، کیومرث، ۱۳۸۱، تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن، پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۳۹ و ۱۴۰

کتاب

جعفری، امین، حقوق کیفری کسب و کار، تهران، نشر شهر دانش، صص ۲۳۲-۲۳۴

گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۴، گزارش جرم زدایی شورای اروپا (ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضایی)، انتشارات سلسبیل، ص ۱۷

جعفری، مجتبی، ۱۳۹۲، جامعه شناسی حقوق کیفری، رویکرد اقتصادی به حقوق کیفری، تهران، نشر میزان

دادگر، حسن، معصومی نیا، غلامعلی، ۱۳۸۷، فساد مالی، چاپ اول، تهران، کانون اندیشه جوان، ص ۱۶.

نوزاد، مجتبی، ۱۳۸۹، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات *، ص ۳۵۸ و ۳۵۹.

تونل ارون، ۱۳۸۹، حقوق ساختن خصوصی شده ها، ترجمه آلن جمالی رکیاله، الزامات و نتایج خصوصی سازی، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ص ۷ و ۲۶

Simon and Jones, 2005, 77

Toutfest, 2003, 127

Simon and Jones, 2005. 27

Michucl olevi and david nelken. The corruption of polihs and the polities of corruption Black wellpublishers.1996.p.;

Ackemon Roso, Corruption, Astudyin poliricul Econo,y, Americanpolitical science Review. Vol. 61. No 2, 1978. P4